



تحریم‌ها چه زمانی پایان می‌یابد؟

تحریم بهانه خوبی است که عرضه نفت ایران و ونزوئلا در بازار جهانی به حاشیه برود و نفت آمریکا جایگزین آنها شود. بنابراین، آمریکا نیازمند ادامه اعمال تحریم است تا بتواند بازدهی مناسبی از سرمایه‌گذاری روی فناوری استخراج نفت شیل را به دست آورد.

به گزارش سرویس اقتصادی ایسکانیوز، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی همواره در معرض تحریم بوده است. این تحریم‌ها به فراخور مناقشات سیاسی، تشدید شده است. شدت یافتن تحریم علیه ایران، به طور مشخص در دو بازه زمانی رخ داده است. در بازه سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۱، تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به شکل بی سابقه‌ای گسترش یافته و مهمترین بخشهای اقتصاد ایران را مورد هجوم قرار داد. همچنین از سال ۱۳۹۶ و با قدرت رسیدن ترامپ زمره‌های وضع مجدد تحریم‌ها به گوش رسید و از اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، تحریم‌های تعلیق شده به موجب برجام، مجدداً اجرایی شد. در این دوره اگرچه آمریکا به صورت یکجانبه تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد، اما در عمل و به موجب قدرت مالی و اقتصادی این کشور در عرصه بین‌الملل، بسیاری از شرکتها و بانکهای خارجی (غیرآمریکایی) از ادامه تعامل با ایران خودداری کردند؛ بنابراین می‌توان گفت تحریم‌های این دوره آمریکا علیه ایران، در مقام نظر یکجانبه است، اما در مقام عمل چندجانبه.

پس از شروع هر موج تحریمی و به موجب دشواریهای سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرا، مسئولان کشور به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که: تحریم تا چه زمانی پایدار است؟ در این گزارش به این سوال پاسخ خواهیم داد.

۱- تکمیل زیرساخت‌های حقوقی مرتبط با تحریم و ماهیت غیرزمان‌دار آنها

متون حقوقی مرتبط با تحریم ایران و سایر کشورها، زیربنای اقدامات تقابلی دستگاههای اجرایی آمریکا علیه دشمنان خود در حوزه تحریم هستند. بررسی این متون حقوقی نشان می‌دهد که در اکثریت قریب به اتفاق آنها، زمانی برای خاتمه تحریم‌ها در نظر گرفته نشده است، بلکه در جهت مقابل، مواردی پیش‌بینی شده است که اگر رئیس‌جمهور آمریکا به دلیلی ترجیح داد تحریم علیه یک کشور را تعلیق یا کاهش دهد، باید به صورت ادواری به کنگره آمریکا گزارش دهد و برای مثال هر ۶ ماه یکبار، این تعلیق را تمدید کند؛ به عبارت دیگر در نظام حقوقی ایالات متحده، وضع تحریم بدون زمان و غیرمشروط در نظر گرفته شده و تعلیق تحریم زمان‌دار و مشروط است. بنابراین می‌توان گفت که زیربنای حقوقی تحریم به صورت کامل علیه ایران طراحی شده است و هزینه وضع مجدد تحریم علیه ایران در هر دوره‌ای، تنها صدور یک فرمان اجرایی توسط رئیس‌جمهور آمریکاست. با توجه به آماده بودن زیرساخت‌های حقوقی، رئیس‌جمهور آمریکا حتی نیاز به کسب اجازه از دستگاه قانونگذاری این کشور نیز ندارد.

۲- راحت بودن اعمال تحریم بخصوص تحریم‌های مالی

سلاحهای مالی آثار تخریبی به اندازه یک جنگ دارند، اما در به کارگیری آنها نه نیروی انسانی از کشور مهاجم کشته میشود، نه جنگ‌افزار نابود میشود و نه منابع مالی چندانی نیاز است. مثال آن را در مورد ایران در دو دوره اعمال تحریم (سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷) شاهد بودیم. با

چند کلیک در سامانه‌های انتقال حجیم دلاری و همچنین متداولترین سیستم پیام‌رسانی مالی بین‌المللی (سوئیفت) به سادگی میتوان هر شخص حقیقی و حقوقی را از کلیه تعاملات بانکی متعارف محروم کرد. همچنین با توسعه ابزارهایی چون (رصد تحریم) توسط شرکت سوئیفت، چنانچه ایالات متحده نام یک شخص حقیقی و حقوقی را در لیست تحریم قرار دهد، به صورت زنجیره‌های همه بانکهای دنیا ارتباط خود را با شخص تحریم شده قطع می‌کنند. شایان ذکر است که مصداق این موضوع صرفاً بانکهایی که به شکل مستقیم از دلار آمریکا استفاده می‌کنند، نیستند. به بیان دیگر، این نوع تحریم به همه ارزها و همه مؤسسات مالی به صورت زنجیروار کشیده میشود. یعنی یک بانک که عملیات دلاری به صورت غیرمستقیم انجام میدهد (و حساب دلاری در خاک ایالات متحده ندارد)، نیز از ترس مسدود شدن حساب خود در بانکهای دارای مجوز دلاری، به تحریم شونده سرویس نمیدهد. به دلیل اعمال زنجیره‌های تحریم، حتی بانکهایی که عملیات یورو، یوان، ین و سایر ارزها نیز انجام میدهند و هیچگونه عملیات دلاری (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) انجام نمیدهند نیز نمیتوانند از گزند تحریم‌های ثانویه ایالات متحده مصون بمانند.

۳- تحولات بازار جهانی نفت

الف- نیاز به بیرون کردن برخی تولیدکنندگان نفتی متعارف از بازار نفت: دلیل دیگر نیاز به ادامه تحریم از سوی آمریکا، سرمایه‌گذاری این کشور روی منابع نفتی نامتعارف (شیل) است. تولید نفت آمریکا از حدود ۵ میلیون بشکه در روز از اوایل ۲۰۰۹ به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز در فوریه ۲۰۱۹ رسیده است و پیش‌بینی‌ها نشان میدهد که سال آینده، برای اولین بار پس از سال ۱۹۵۳، آمریکا صادرکننده خالص نفت خام خواهد بود. برای اقتصادی بودن این منبع نفتی، باید تولیدکنندگان متعارف نفتی از بازار خارج شوند تا کل عرضه نفت افزایش قابل توجه نیابد و کاهش قیمت نفت را به دنبال نداشته باشد تا بازار نفت شیل آمریکا تثبیت شود. در دور جدید اعمال تحریمها، وقتی کره جنوبی خرید نفت خام از ایران را متوقف کرد، خرید نفت از آمریکا جایگزین نفت ایران شد. در حال حاضر، دو کشور عمده تولیدکننده نفت در جهان - ایران و ونزوئلا - هدف تحریم ایالات متحده قرار گرفته‌اند. تحریم بهانه خوبی است که عرضه نفت این دو کشور در بازار جهانی به حاشیه برود و نفت آمریکا جایگزین آنها شود. بنابراین، آمریکا در بلندمدت نیازمند ادامه اعمال تحریم خواهد بود تا بتواند بازدهی مناسبی از سرمایه‌گذاری خود بر روی فناوری استخراج نفت شیل را به دست آورد.

ب- بلااثر شدن صادرات نفت به عنوان اهرم قدرت نمایی ایران در عرصه بین‌الملل: یکی از شروط مهم در قانون آمریکا در ارتباط با تحریم صادرات نفت ایران، تضمین رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر وجود عرضه کافی نفت در بازار جهانی است. به عبارت دیگر، در سال ۲۰۱۲ و همزمان با تصویب این قانون، یکی از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و تصمیمگیران آمریکا، مازاد تقاضای نفت در بازار جهانی و به تبع آن افزایش قیمت نفت بود. با گذشت زمان و در موج تحریمی جدید مجموعه‌ای از اقدامات از سوی ایالات متحده، نظیر الزام کشورهای صادرکننده نفت نظیر عربستان و امارات به افزایش عرضه و پر کردن جای ایران، ایجاد محدودیت خرید برای کشورهای واردکننده نفت ایران، سرمایه‌گذاری در شیل‌های نفتی درون خاک آمریکا و ... باعث شد که صادرات نفت ایران به عنوان اهرم قدرت نمایی این کشور در عرصه بین‌الملل عملاً بلااثر شود. افتادن ایران در دام معافیت‌های نفتی آمریکا و تلقی آنها به عنوان علامتی از عقب نشینی و شکست آمریکا در سیاست صفر کردن نفت ایران، سهم بسزایی در این رویداد داشته است. نتیجه آنکه از اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ و متعاقب اعلام سیاست آمریکا مبنی بر ضرورت صفر کردن خرید نفت از ایران، سهم راهکارهای امنیتی و ایدئولوژی برای تداوم صادرات نفت در ادبیات مقامات ایرانی بسیار پررنگ‌تر از راهکارهای اقتصادی (موازنه عرضه و تقاضای نفت در بازار جهانی) شده است.

۴- کسب درآمد از طریق تحریم

جمع جریمه‌های اعمال شده علیه بانکها و شرکتهای خارجی توسط ایالات متحده ناشی از تحریمها (اعم از ایران و سایر کشورهای تحت

تحریم) تاکنون بالغ بر ۲۰۶ میلیارد دلار شده است. تحریم بهانه خوبی برای کسب درآمد از این طریق است. به دلیل سادگی اعمال تحریم و آثار مخرب آن، به محض مظنون شدن به اشخاص و شرکتهای آمریکا به سادگی میتواند از آنها اخاذی کند. این جریمه نیز خیلی سریع پرداخت میشود، زیرا کسب و کار نهاد هدف دچار اختلال جدی می‌شود (حتی اگر حساب دلاری نداشته باشد و فاقد کسب و کار در آمریکا باشد).

*منافع و هزینه های تحریم برای آمریکا

تحریم اهرم فشار است. طرف استفاده‌کننده از تحریم، تا آنجا از این ابزار استفاده می‌کند که نفع تحریم برای وی بیشتر از هزینه متحمل شده باشد. نفع‌ها و هزینه‌های تحریم برای ایالات متحده به شرح زیر قابل فهرست است:

- نفع تحریم برای آمریکا، هزینه وارد شده بر قربانی (ایران) و محدود شدن آن یا مشغول شدن آن به خود (ولو به شورش یا براندازی و .. نینجامد) است. بنابراین تا جایی که ایران از لحاظ اقتصادی در حال انقباض و تضعیف باشد و برای بودجه یا اقتصاد خود کار خاصی نکند، این نفع برای آمریکا تداوم خواهد داشت. همچنین جریمه‌های دریافت شده از شرکتهای و بانک‌های خارجی ناقض تحریم، درآمد قابل توجهی برای آمریکا ایجاد می‌کند.

- هزینه تحریم برای آمریکا، فشارهای امنیتی سیاسی وارده از ایران بر آمریکا و متحدان منطقه ای و نیز هزینه‌های اقتصادی مرتبط با انتخابات (قیمت بنزین و ..) در آمریکاست. بنابراین تا جایی که فشار امنیتی یا منطقه ای ایران بر آمریکا یا متحدان، یا هزینه های ناشی از اختلاف با اروپا یا هزینه های مرتبط با انتخابات آمریکا ادامه داشته باشد، این هزینه برای آمریکا وجود خواهد داشت.

*تحریم ها تا چه زمانی پابرجاست؟

با توجه به ساختار تحلیلی فوق، تحلیل وضعیت تعادل این هزینه‌ها و فواید به صورت زیر قابل خلاصه شدن است:

الف) به نظر میرسد، ساختار حقوقی در هم تنیده تحریم‌ها که به صورت قوانین متعدد مصوب شده و نیز ارتباط لابی‌های صهیونیستی و سعودی با دو حزب و نیز خارج کردن ماهیت قوانین تصویب شده از حالت صرف هسته ای و ایجاد ارتباط آنها با مقوله تروریسم و حقوق بشر، اجازه کاهش شدید در ساختار تحریم‌ها را حداقل در میان مدت، نخواهد داد.

ب) از سوی دیگر، با توجه به عدم اقدام قابل توجه ایران برای اصلاح و تقویت مالیه عمومی و نیز تراز پرداختها، برای در امان ماندن از تحریم‌های نفتی و بی‌اثر شدن آن به عنوان سلاح جنگ اقتصادی، تضعیف بنیه‌های اقتصاد ایران همچنان ادامه‌دار خواهد بود و این نفع به طور مداوم برای آمریکا ملموس خواهد بود.

ج) با فرض عدم تحرک سیاسی و امنیتی ایران برای تشدید فشار بر متحدان آمریکا یا حفظ آن، هزینه اعمال تحریم برای آمریکا چندان قابل توجه نخواهد بود.

د) با توجه به پیش‌بینی‌های آتی بازار نفت، انتظار جهش قیمتی در بازار نفت به گونه ای که انتخابات آمریکا را متأثر کند، ولو در حالت صفر شدن صادرات نفت ایران، متصور نیست. این گزاره نشان میدهد که در پی تحولات بازار انرژی در چند سال اخیر، صادرات نفت ایران

دیگر به عنوان یک اهرم فشار بر کلیت بازار نفت قابل استفاده نیست.

موارد فوق، این نتیجه را به دست می‌دهد که با فرض ادامه شرایط فعلی و بدون تحول خاص در اقدامات اقتصاد داخلی یا سیاسی امنیتی ایران، حداقل تا ۶ سال آتی، تحریمها ادامه دار خواهد بود.